

AWARD

Case No. B36

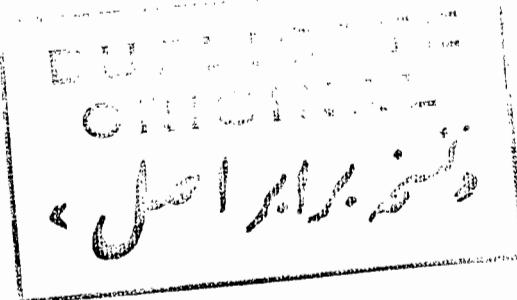
Chamber Two

پرونده شماره ب - ۳۶

شعبه دو

حکم شماره ۵۷۴-۲ ب - ۳۶-۲

IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL	دیوان داوری دعاوی ایران - ایالات متحده
FILED	ثبت شد
3 - DEC 1996	
تاریخ ۱۲ / ۹ / ۱۳۷۵	



ایالات متحده آمریکا،

خواهان،

و

جمهوری اسلامی ایران،

خوانده.

حکم

حاضرین:

از طرف خواهان:  
آقای دی. استی芬 متایس  
نماینده رابط ایالات متحده آمریکا  
آقای رونالد جی. بتاور،  
معاون مشاور حقوقی وزارت امور خارجه ایالات متحده،  
آقای جاشوا ال. داراسین،  
وکیل مشاور وزارت امور خارجه ایالات متحده،  
خانم راکسینا چریس،  
حسابرس وزارت خزانه داری ایالات متحده،  
پروفسور ریچارد بی لیلیک،  
مشاور نماینده رابط،  
خانم لاری آر. لوین،  
وکیل مشاور وزارت خزانه داری ایالات متحده،  
آقای شان مورفی،  
قائم مقام نماینده رابط ایالات متحده آمریکا،

از طرف خوانده:  
آقای محمدحسین زاهدین لباف،  
نماینده رابط جمهوری اسلامی ایران،  
دکتر جعفر نیاکی،  
آقای سیف الله محمدی،  
آقای خسرو طبسی،  
مشاورین حقوقی نماینده رابط،  
آقای رسول بدربی،  
دستیار حقوقی نماینده رابط،  
آقای حسین آخوندزاده،  
نماینده وزارت امور اقتصادی و داراشی ایران،  
آقای حسن محمدی مطلق،  
آقای ابوالقاسم سعیدی،  
نمایندگان راه آهن جمهوری اسلامی ایران.

## فهرست مندرجات

### شماره بند

۱	<u>یک - پیشگفتار</u>
۳	<u>دو - جریان رسیدگی</u>
۸	<u>سه - واقعیات و اظهارات</u>
۸	الف - ادعای شماره ۱: قرارداد سال ۱۹۴۵
۱۲	ب - ادعای شماره ۲: قرارداد سال ۱۹۴۸
۱۲	(۱) نحوه تنظیم و شرایط اساسی
۲۰	(۲) موافقتنامه های فروش جدایی به موجب قرارداد سال ۱۹۴۸
۲۴	(۳) هزینه های حمل و نگاهداری
۲۷	(۴) خواسته دعوی
ج - اقدامات ایالات متحده برای وصول مطالبات خود از ایران	
۲۸	بابت قراردادهای ۱۹۴۵ و ۱۹۴۸
۳۰	د - وجوه پرداختی توسط ایران
۳۶	<u>چهار - صلاحیت</u>
۴۰	<u>پنج - ماهیت</u>
۴۰	الف - وجود قرارداد سال ۱۹۴۸
۴۶	ب - اصل مبلغ بدھی بابت ادعای شماره ۲
۴۷	ج - دیون منفور
۵۸	<u>شش - مرور زمان</u>
۷۶	<u>هفت - بھروہ</u>
۸۱	<u>هشت - هزینه دادرسی</u>
۸۲	<u>نه - حکم</u>

## یک - پیشگفتار

- ایالات متحده آمریکا ("ایالات متحده") این دعوی را در تاریخ ۲۹ دیماه ۱۳۶۰ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۲] به ثبت رسانیده، مبلغ ۲۲,۲۹۷,۰۵۹/۴۵ دلار از جمهوری اسلامی ایران ("ایران") مطالبه می‌نماید. ایالات متحده دو فقره ادعا اقامه نموده که از قراردادهای مشروح زیر که به منظور خرید برخی اقلام نظامی مازاد بعد از جنگ جهانی دوم بین ایالات متحده و ایران منعقد گردیده است ناشی می‌شود: قرارداد فروش مورخ ۲۱ آذر ماه ۱۳۲۴ [۱۲ دسامبر ۱۹۴۵] ("قرارداد سال ۱۹۴۵") که ایالات متحده ۱,۹۰۷,۲۱۳/۹۸ دلار آمریکا بابت آن مطالبه می‌کند و قرارداد فروش اعتباری مورخ هفتم مرداد ماه ۱۳۲۷ [۲۹ ژوئیه ۱۹۴۸] ("قرارداد سال ۱۹۴۸") که ایالات متحده بابت آن ۲۱,۳۸۹,۸۴۵/۴۷ دلار آمریکا مطالبه می‌نماید. ایالت متحده همچنین خواستار بهره و هزینه‌های حقوقی است.

- ایران هر گونه تعهدی برای پرداخت وجوه موضوع قراردادهای ۱۹۴۵ و ۱۹۴۸ را انکار می‌نماید و معتقد است که بدھی‌های مذبور دیون منفور محسوب می‌شوند. علاوه بر این، ایران اظهار می‌دارد که ادعاهای مورد بحث مشمول مرور زمان شده‌اند.

## دو - جریان رسیدگی

- ایران قبل از درخواست نموده است که پرونده حاضر با پرونده شماره ب-۵۸، راه آهن جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا، حکم شماره ۲ - ب - ۵۷۲ مورخ ۱۸ مهر ماه ۱۳۷۵ [نهم اکتبر ۱۹۹۶] ادغام گردد زیرا هر دو پرونده مربوط به جنگ جهانی دوم بوده و با راه آهن ایران ارتباط کلی دارند. در پرونده شماره ب-۵۸ خواهان ادعا می‌نمود که ایالات متحده مستول خسارات مالی است که در زمان جنگ جهانی دوم به راه آهن جنوب ایران وارد آمده است.

- پرونده شماره ب-۵۸ بدواً به شعبه یک دیوان ارجاع شده بود اما در تاریخ ۲۴ آذرماه ۱۳۶۵ [۱۵ دسامبر ۱۹۸۶] به شعبه دو احواله گردید، زیرا به نظر می‌رسید که رسیدگی به هر دو پرونده ب - ۳۶ و ب - ۵۸ در یک شعبه واحد به نحو شایسته تری صورت می‌گیرد. در حکم خود پرونده شماره ب - ۵۸، دیوان درخواست ادغام را رد کرد و نظر داد که ارتباط بین دو

پرونده مورد بحث در حدی نیست که ادغام آنها را توجیه کند. بنگرید به: بند ۷، حکم شماره ۲-ب ۵۸ - ۵۷۶. دیوان دو پرونده را متعاقب یکدیگر استماع کرد. با توجه به صدور حکم در پرونده ب ۵۸ مسأله دیگر نزد دیوان مطرح نمی‌باشد.

۵- جلسه استماع پرونده حاضر در تاریخ ۱۵ آذر ماه ۱۳۷۴ [ششم دسامبر ۱۹۹۵] برگزار گردید.

۶- در جلسه استماع، نماینده رابط ایران مدرکی حاوی عنوان "تصویینامه هیئت وزیران" به تاریخ ۲۸ مهر ماه ۱۳۵۴ [۲۰ اکتبر ۱۹۷۵] توزیع نمود. ایالات متحده به پذیرش این مدرک اعتراض کرد و اظهار داشت که بی‌موقع ارائه شده است. دیوان هنگام دریافت مدرک مذبور اعلام داشت که راجع به قابلیت پذیرش آن بعداً تصمیم خواهد گرفت.

۷- دیوان راجع به مدرک مذکور بررسی مقتضی انجام داده و خاطرنشان می‌سازد که ایران برای تأخیر در تسلیم مدرک یادشده هیچگونه توجیهی ارائه نکرده است. مدرک مورد بحث سندی عمومی نیست که صرفنظر از ارائه آن توسط یک طرف دعوی دیوان خود علی‌الرأس بتواند آنرا مورد توجه قرار دهد. مضافاً ضرورت رعایت نظم در رسیدگیهای دیوان ایجاب می‌کند که مدرک یادشده در این مرحله پایانی رسیدگی، پذیرفته نشود. از اینرو، دیوان دلیلی نمی‌بیند که مدرک مذبور را که با تأخیر تسلیم شده جهت ثبت در سوابق بپذیرد.

## سه - واقعیات و اظهارات

### الف - ادعای شماره ۱: قرارداد سال ۱۹۴۵

۸- در تاریخ ۲۱ آذر ماه ۱۳۲۴ [۱۲ دسامبر ۱۹۴۵] ایالات متحده و ایران قرارداد سال ۱۹۴۵ را امضا کردند که به موجب آن ایالات متحده انواع تأسیسات ثابت، تجهیزات ثابت و سیار، وسایل کارگاهی، اثاثه و واگن‌های راه آمن (واگن‌های تانکردار و واگن‌های خدمه) واقع در ایران را به ایران فروخت. اقلام مورد بحث، اموال نظامی مازاد و مورد استفاده در جنگ جهانی دوم بود. در ازای دریافت این اموال، ایران تقبل نمود مبلغ ۲,۸۱۹,۹۸۳/۴۷ دلار بپردازد. در قرارداد هیچ مبلغی بابت بهره منظور نشده بود.

-۹ در پیوست قرارداد مورخ ۱۹۴۵ ارزش واقعی اموال خریداری شده توسط ایران به این شرح ذکر شده است: الف - تأسیسات به مبلغ ۲۰۰،۷۹۶،۲۸۰ دلار، ب - تجهیزات و اثاثه مربوط به مبلغ ۴۸،۲۶۲،۸۰۲ دلار و ج - واگن‌های تانکردار و واگن‌های خدمه به مبلغ ۷۱،۰۲۲،۶۰۰ دلار. قیمت تأسیسات ۷/۵ درصد هزینه ساختمان آنها و قیمت تجهیزات و اثاثه ۵/۷ درصد ارزش آنها محاسبه شد. قیمت هر یک از واگن‌های تانکردار ۶۹،۲۹۲،۲۹۰ دلار و قیمت هر یک از واگن‌های خدمه ۴۲،۴۲۸ دلار تعیین شده بود.

-۱۰ طبق بند ۳ قرارداد سال ۱۹۴۵، ایران با سپردن ۳ فقره سفته، هر یک به مبلغ ۴۹،۹۹۴،۹۳۹ دلار که سرسید آنها ۲۱ آذر ماه ۱۲۲۷، ۲۱ آذر ماه ۱۲۲۹ و ۲۱ آذر ماه ۱۲۳۱ [۱۲ دسامبر ۱۹۴۸، ۱۹۵۰ و ۱۹۵۲] بود معامله مذکور را انجام داد.

-۱۱ در آوریل سال ۱۹۴۹ ایران مبلغ ۹۱۲،۷۶۹/۴۹ دلار بابت فقره اول از سه فقره سفته پرداخت کرد. ایالات متحده مدعی است که ایران هیچگاه مبلغ ۲۷،۲۲۵/- دلار بقیه وجه سفته اول و هیچ وجهی بابت دو سفته دیگر نپرداخت. بنابراین بگفته ایالات متحده، ایران طبق قرارداد سال ۱۹۴۵ و سفته‌هایی که بابت آنها امضاء نمود مبلغ ۹۸،۲۱۲/۰۷،۱۰۰ دلار بابت اصل مبلغ خرید بدھکار می‌باشد. ایران اظهار می‌دارد که مبلغ ۲۷،۲۲۵/- دلار را به این دلیل از قسط اول کسر کرد که انباری را که در قرارداد ذکر شده بود متعلق به خود تلقی می‌نمود.

## ب - ادعای شماره ۲: قرارداد سال ۱۹۴۸

### ۱ - انعقاد و شرایط اساسی

-۱۲ در تاریخ ۲۲ مهر ماه ۱۲۲۵ [۱۵ اکتبر ۱۹۴۶] سفیر ایران در واشنگتن، حسین علاء، به نمایندگی از طرف دولت متبوع خود یادداشتی برای وزیر امور خارجه ایالات متحده ارسال و طی آن درخواست کرد که ایالات متحده یک اعتبار ۱۰ میلیون دلاری در اختیار ایران قرار دهد تا از محل آن:

اسلحة و تجهیزاتی، طبق صورت پیوست، واقع در ایالات متحده و سایر کشورها از طریق کمیسیون تصفیه اموال ایالات متحده در خارج خریداری گردد... این سلاحها و تجهیزات مورد نیاز فوری ایران هستند تا به ارتضی ایران تحرک بیشتری داده و برای برقراری قانون و نظم در داخل و دفاع از حاکمیت و استقلال

کشور، بدون هیچگونه قصد تجاوز، آنرا در وضعیت بهتری قرار دهد.

جزئیات و صورت تفصیلی سلاحها و تجهیزات در صورت لزوم متعاقباً ارسال خواهد شد.

۱۲ - در حوالی ۲۹ خرداد ماه ۱۳۲۶ [۱۹ ژوئن ۱۹۴۷] توافقی بصورت یک نامه بین ایالات متحده و ایران به امضا رسید که به موجب آن ایالات متحده اعتباری به مبلغ ۲۵ میلیون دلار، به منظور خرید اقلام نظامی مازاد ایالات متحده واقع در خارج از ایران، در اختیار ایران گذاشت. طبق بند ۴ توافق مذبور، مسئولیت تأمین کلیه هزینه های مربوط به مراقبت، تعمیر، بسته بندی، نگاهداری و جابجا کردن اقلام مورد معامله ("هزینه های حمل و نگاهداری") منحصرأ بر عهده ایران بود. در بند ۹ توافقنامه مقرر گردیده بود که رسمیت قرارداد "مشروط به تصویب مجلس است" که پارلمان ایران می باشد.

۱۴ - در تاریخ ۲۸ بهمن ماه ۱۳۲۶ [۱۷ فوریه ۱۹۴۸]، مجلس به وزارت جنگ اختیار داد که وسایل نظامی تا مبلغ ۱۰ میلیون دلار از ایالات متحده خریداری نماید، اما از آنجا که دولت ایران به مقدار کافی دلار در اختیار نداشت، مجلس از دولت خواست که با ایالات متحده وارد مذاکره شده و اعتباری برای هزینه های حمل و نگاهداری وسایل، با همان شرایط پرداخت خرید خود تجهیزات تحصیل نماید.

۱۵ - در حوالی چهارم تیر ماه ۱۳۲۷ [۲۵ ژوئن ۱۹۴۸]، کنگره ایالات متحده اعتبار ویژه ای برای تأمین هزینه های حمل و نگاهداری اقلام مورد بحث تصویب کرد.

۱۶ - در حوالی هفتم مرداد ماه ۱۳۲۷ [۲۹ ژوئیه ۱۹۴۸] ایالات متحده و ایران قرارداد سال ۱۹۴۸ را امضا کردند که نامه توافقی بود که جانشین نامه توافقی مورخ ۲۹ خرداد ماه ۱۳۲۶ [۱۹ ژوئن ۱۹۴۷] گردید، (بند ۱۲ بالا) و طی آن طرفین اعتبار اعطائی ایالات متحده را تعمیم داده، شامل هزینه های حمل و نگاهداری وسایل نیز نمودند.

۱۷ - به موجب قرارداد سال ۱۹۴۸، ایالات متحده متعهد گردید که اعتباری برای خرید اموال مازاد "که ارزش کل فروش آنها حداقل ۱۰ میلیون دلار آمریکا باشد"، به علاوه، اعتباری حداقل به مبلغ ۱۶ میلیون دلار برای تأمین هزینه های حمل و نگاهداری به ایران اعطا نماید. در قرارداد مذبور تصریح شده بود که تعیین مقدار، نوع و قیمت اقلام مورد نیاز دولت ایران و

همچنین هزینه های حمل و نگاهداری و سایر شرایط فروش آنها مسائلی است که دولت ایران و دفتر کمیسیون تصفیه اموال آمریکا در خارج باید راجع به آنها به توافق برسند. قرار شد که این موارد و شرایط در قراردادهای فروش جداگانه ای گنجانده شود.

-۱۸ در بند ۱ قرارداد سال ۱۹۴۸ شرایط باز پرداخت دیویتی که ایران بابت قرارداد مذکور متحمل شده بود تعیین گردید. در این بند آمده است که:

مبلغی به دلار آمریکا معادل جمع کل بهای خرید هر یک از اقلام مورد معامله و هزینه نگاهداری و جابجا کردن آنها در ۱۲ قسط مساوی طی مدت ۱۲ سال پرداخت خواهد شد. اولین قسط در تاریخ ۱۱ دی ماه ۱۳۲۸ [اول ژانویه ۱۹۵۰] و اقساط بعدی در اول ژانویه هر سال تا اول ژانویه ۱۹۶۱ پرداخت خواهد گردید...

-۱۹ طی بند ۲ قرارداد مورد بحث، ایران موافقت نمود که "نسبت به مانده بدھی بابت کل قیمت خرید و [هزینه های حمل و نگاهداری]" اقلام که "از تاریخهای تحويل مقرر در قراردادهای فروش جداگانه" ایجاد شده، بهره ای به نرخ دو و سه هشتم ( $\frac{3}{8}$ ) درصد در سال بپردازد. موعد پرداخت بهره ۱۱ دی ماه ۱۳۲۷ [اول ژانویه ۱۹۴۹] و هر سال بعد در همان روز تعیین شد.

## ۲ - موافقتنامه های فروش جداگانه به موجب قرارداد سال ۱۹۴۸

-۲۰ ایالات متحده اظهار می دارد که مدت کوتاهی بعد از امضای قرارداد ۱۹۴۸ ایران چند هیئت خرید نظامی برای بازبینی، انتخاب و خرید اقلام مناسب به خارج اعزام نمود و در فاصله اکثیر ۱۹۴۸ و دسامبر ۱۹۴۹ ایالات متحده و ایران ۲۱ فقره موافقتنامه جداگانه برای فروش اموال نظامی مازاد منعقد کردند. ایالات متحده می افزاید که موافقتنامه های مزبور از دو نوع بود: هشت فقره از آنها مربوط به اموال نظامی واقع در ایالات متحده و سیزده فقره دیگر مربوط به اموال موجود در اروپا بود. برای هر گروه یک "موافقتنامه اصلی" وجود داشت که اساس انعقاد موافقتنامه های جداگانه را تشکیل می داد.

-۲۱ ایالات متحده کپی موافقتنامه اصلی مورخ هشتم مهر ماه ۱۳۲۷ [۳۰ سپتامبر ۱۹۴۸] را، که مربوط به فروش اقلام نظامی مازاد واقع در ایالات متحده ("اموال موجود در آمریکا") است،

به دیوان عرضه نموده است. ایالات متحده همچنین فتوکپی سه موافقتنامه فروش جدگانه به تاریخ ۲۸ مهر ماه ۱۳۲۷ [۲۰ اکتبر ۱۹۴۸]، نهم آذر ماه ۱۳۲۷ [۳۰ نوامبر ۱۹۴۸] و نهم اردیبهشت ماه ۱۳۲۸ [۲۹ آوریل ۱۹۴۹] را که بالغ بر حدود ۷/۴ میلیون دلار از اعتبار اعطای ۱۰ میلیون دلاری است به دیوان تسلیم کرده است. ایالات متحده نامه های منضم به موافقتنامه های مذکور را نیز به دیوان ارائه نموده و اظهار می دارد که این نامه ها مبین امضاء و مبادله رسمی موافقتنامه ها بین دولتین می باشند.

-۲۲- ایالات متحده یک کپی موافقتنامه اصلی مربوط به فروش اموال نظامی مازاد در اروپا ("اموال موجود در اروپا") را تسلیم نکرده و اظهار می دارد که موفق به یافتن آن نشده است. اما مدارک دیگری تسلیم شده که بنا به اظهار ایالات متحده یقیناً ثابت می کنند که چنین موافقتنامه ای فی الواقع بین طرفین به امضای رسیده است. برای اثبات وجود ۱۸ موافقتنامه دیگر فروش جدگانه مربوط به فروش اقلامی به ارزش ۲/۶ میلیون دلار، ایالات متحده مدارک زیر را تسلیم کرده است:

الف - پیام تلگرافی مورخ ۲۷ اردیبهشت ماه ۱۳۴۷ [۱۷ مه ۱۹۶۸] وزارت امور خارجه ایالات متحده به سفارت آمریکا در تهران ("پیام تلگرافی ۱۹۶۸") حاوی فهرست کلیه موافقتنامه های مورد بحث با نکر این مطلب که نسخه ای از موافقتنامه ها "به پیوست ارسال می گردد. "

ب - گزارش متصدی برنامه های نظامی ایالات متحده در اروپا برای ماههای اکتبر، نوامبر و دسامبر ۱۹۴۸ که در آن اقلامی که ایران در ماههای مذکور از اموال موجود در اروپا خریداری کرده توصیف شده است.

ج - نامه مورخ ۲۳ فروردین ۱۳۲۸ [۱۲ آوریل ۱۹۴۹] متصدی برنامه های نظامی به وابسته نظامی ایران در سفارت ایران در ایالات متحده مشعر بر اینکه ایران تا تاریخ مذکور کل اعتبار ۱۰ میلیون دلاری را که به موجب قرارداد سال ۱۹۴۸ در اختیار داشته، به استثنای ۴۳۰، ۱۶۰ دلار، استفاده کرده است.

د - پیام تلگرافی مورخ ۲۲ اسفند ماه ۱۳۴۲ [۱۳ مارس ۱۹۶۴] وزارت امور خارجه ایالات متحده به سفارت آمریکا در تهران که طی آن سابقه بدھی ایران بابت قراردادهای

وام و اجاره و اموال مازاد تشریح شده، راه حلهای وصول بدھیهای ایران و از جمله بدھیهای مربوط به قراردادهای ۱۹۴۵ و ۱۹۴۸ بررسی گردیده و ضمناً "صورت وضعیت حسابهای پرداخت نشده ایران تا تاریخ ۱۱ دیماه ۱۳۴۲ [اول ژانویه ۱۹۶۴] بابت قراردادهای وام و اجاره و اموال مازاد" به نامه مذبور ضمیمه شده است.

هـ - فتوکپی برگی از دفتر کل حساب [ایالات متحده درباره] "موافقتنامه های اعتباری ایران در تاریخ نهم اسفند ماه ۱۳۲۷ [۲۸ فوریه ۱۹۴۹]" حاوی فهرست ۱۷ قرارداد جداگانه که قبل از آن تاریخ منعقد شده بودند. تاریخ و قیمت های فروش مندرج در دفتر کل با ارقام مربوط در یادداشت سیاسی سال ۱۹۶۸ و گزارش سال ۱۹۴۸ متصلی برنامه های نظامی ایالات متحده در اروپا مطابقت دارند.

۲۳ - کل بھای خرید موضوع ۲۱ فقره قرارداد ۱۷/۴۲ ۱۰,۰۰۰,۰۱۷ دلار است که پس از تعديلاتی در بستانکار حساب، در ژانویه ۱۹۶۰ به ۹,۷۹۷,۸۲۵/۰۹ دلار تقلیل یافت.<sup>۱</sup> ایالات متحده اظهار می دارد که ایران هیچگاه وجهی بابت اصل بدھی مذکور پرداخت نکرده است.

### ۳ - هزینه های حمل و نگاهداری

۲۴ - همانطور که خاطرنشان گردید، ایران به موجب قرارداد سال ۱۹۴۸ معهد گردید که هزینه مربوط به مراقبت و جابجا کردن اموال خریداری شده یعنی هزینه های حمل و نگاهداری را بپردازد، بنگرید به: بندهای ۱۲-۱۹ بالا. در بند ۱۰ ماده شش موافقتنامه اصلی فروش اموال موجود در ایالات متحده، هزینه های حمل و نگاهداری چنین توصیف شده است:

کلیه هزینه ها و مخارجی که فروشنده بابت اینگونه مراقبتها،  
جابجا کردن، تعمیر، آماده کردن، بسته بندی، محافظت، حمل و  
نقل، تأخیر در تخلیه بار، باربری، اسکله، انبارداری و تحويل . . .

---

<sup>۱</sup> ایالات متحده در اظهارات کتبی خود، رقم کل اصل بدھی بابت قرارداد سال ۱۹۴۸ را اشتباهاً ۹,۸۱۱,۵۷۳/۶۹ دلار ذکر کرده است. مدرکی که در تأیید این رقم مورد استناد ایالات متحده بود گزارشی است به تاریخ ۱۱ دی ماه ۱۳۳۸ [اول ژانویه ۱۹۶۰] در خصوص جمع کل بدھی ایران بابت قرارداد سال ۱۹۴۸ که نشان می دهد که رقم صحیع ۹,۷۹۷,۸۲۵/۰۹ دلار می باشد.

۲ می پردازد و یا متحمل می شود. . . .

- ۲۵- نحوه برآورد هزینه های حمل و نگاهداری در موافقتنامه های اصلی مندرج است. در این خصوص، بند ۱۵ (ج) ماده هفت موافقتنامه اصلی فروش اموال موجود در ایالات متحده مقرر می دارد:

(۱)... در موقع تحويل عملی ... رقمی معادل ۱۵۰ درصد ارزش خالص فروش هر محموله ... به عنوان هزینه و مخارج تقریبی بصورت علی الحساب محاسبه و پرداخت می شود، و

(۲) پس از آنکه مبلغ کل هزینه و مخارج واقعی ... کلیه اموال مذکور ... از طرف فروشنده [یعنی ایالات متحده] تعیین گردید، این هزینه ها با رقم کل برآورد شده بر اساس بند (۱) فوق مقایسه خواهد شد و چنانچه بر اثر این مقایسه لازم شود که هزینه های برآورده افزایش، کاهش یا تعديل یابد، فروشنده نسبت به این امر اقدام خواهد نمود.

<sup>۳</sup>

- ۲۶- بطوریکه در پیام تلگرافی سال ۱۹۶۸ آمده است، اداره مالی ارتش ایالات متحده اعلام داشت که هزینه های واقعی حمل و نگاهداری مربوط به فروش اموال به ۱۱,۵۹۲,۰۲۰/۳۸ دلار بالغ شده است. ایالات متحده مدعی است که ایران از این بابت هیچگونه وجهی نپرداخته است.

#### ۴ - خواسته دعوی

- ۲۷- بطور خلاصه، ایالات متحده بابت ادعای شماره ۲ جمعاً ۲۱,۳۸۹,۸۴۵/۴۷ دلار مطالبه می کند. این رقم مبتنی است بر ۹,۷۹۷,۸۲۵/۰۹ دلار اصل بدھی پرداخت نشده، (بنگرید به: بند ۲۲ بالا)، به اضافه ۱۱,۵۹۲,۰۲۰/۳۸ دلار بابت کل هزینه های حمل و نگاهداری، بنگرید به: بند ۲۶ بالا. ایالات متحده همچنین خواستار پرداخت بهره عموق می باشد، بنگرید به: بند ۱۹ بالا.

<sup>۱</sup> از پیام تلگرافی سال ۱۹۶۸ چنین به نظر می رسد که، صرفنظر از مخارج مربوط به تعمیر اموال خریداری شده به موجب قرارداد اصلی فروش اموال موجود در ایالات متحده، هزینه های حمل و نگاهداری در قرارداد اصلی فروش اقلام موجود در اروپا تعریف مندرج در قرارداد اموال موجود در ایالات متحده دارد.

<sup>۲</sup> پیام تلگرافی سال ۱۹۶۸ نشان می دهد که موافقتنامه اصلی فروش اموال موجود در اروپا حاوی شرط مشابهی است.

ج - اقدامات ایالات متحده برای وصول مطالبات خود از ایران  
بابت قراردادهای ۱۹۴۵ و ۱۹۴۸

-۲۸ ایالات متحده اظهار می‌دارد که برای وصول طلب خود از ایران بابت قراردادهای ۱۹۴۵ و ۱۹۴۸ طی سالیان متمادی به کرات و به موقع اقداماتی انجام داده است. در این خصوص مدارک مشروحه زیر در سوابق موجود است:

الف - نامه مورخ ۲۱ آذر ماه ۱۳۲۹ [۱۲ دسامبر ۱۹۵۰] وزارت خزانه داری ایالات متحده به سفیر ایران در واشنگتن که طی آن از ایران درخواست گردید که بدھی خود را بابت اولین و دومین سفته‌ای که به موجب قرارداد ۱۹۴۵ امضاء نموده بپردازد.

ب - پیام تلگرافی سال ۱۹۶۸ مشعر بر اینکه ایالات متحده در فاصله ژوئن ۱۹۴۹ تا مه ۱۹۵۴ پنج فقره صورتحساب بابت وام موضوع قرارداد ۱۹۴۸ به سفارت ایران در واشنگتن ارسال داشته است.

ج - یادداشت‌هایی به تاریخهای ۲۷ اردیبهشت ۱۳۳۳، دوم خرداد ماه ۱۳۳۴ و دوم خرداد ماه ۱۳۳۹ [۱۷ مه ۱۹۵۴، ۲۲ مه ۱۹۵۵ و ۲۲ مه ۱۹۶۰] از وزارت امور خارجه ایالات متحده به سفارت ایران در واشنگتن به منظور یادآوری موضوع حسابهای معوق ایران به ایالات متحده و ارسال صورت بدھی‌ها و از جمله وضعیت قراردادهای ۱۹۴۵ و ۱۹۴۸.

د - پیام تلگرافی مورخ ۲۲ اسفند ماه ۱۳۴۲ [۱۲ مارس ۱۹۶۴] وزارت امور خارجه ایالات متحده به سفارت آمریکا در تهران، که در قسمتهای ذیربسط آن آمده است:

وزارت‌خانه به این نتیجه رسیده است که با پستی در آینده نزدیک با دولت ایران... تماس گرفته و راه حلی پیدا کرد تا ایران دیون معوق مربوط به وام و اجاره و اموال مازاد را طبق یک برنامه منظم پرداخت نماید.

<sup>۱</sup> در یادداشت مورخ ۱۶ آذر ماه ۱۳۵۱ [هفتم دسامبر ۱۹۷۲] سفارت ایالات متحده در تهران آمده است که وزارت امور خارجه ایالات متحده در تاریخ ۱۴ اردیبهشت ماه ۱۳۴۲ [چهارم ماه مه ۱۹۶۴] طی نامه‌ای به وزارت دارائی ایران یادآوری کرده است که بدھی ایران بابت قرارداد وام و اجاره اموال مازاد بدون پرداخت مانده است.

در سالهای اخیر وزارت خارجه چندین مرتبه در صدد برآمد که از دولت ایران بخواهد که تعهدات خود را [در ارتباط با قراردادهای ۱۹۴۵ و ۱۹۴۸ و نیز قرارداد وام و اجاره و اقلام مازاد] ایفا نماید. لیکن بنا به ملاحظات مهم تری که عمدۀ ترین آن ضعف سیاسی و مالی دولت ایران بود اقدامی به عمل نیاورد... البته وزارت خارجه، هر چند که بر پرداخت دیون پافشاری نکرده، ایران را بصورت کلی از وضعیت دیون مذبور مطلع نموده است. آخرین یادآوری وزارت خارجه به سفير ایران در واشنگتن طی یادداشت مورخ دوم خرداد ماه ۱۳۲۹ [۲۲ مه ۱۹۶۰] صورت گرفت... یادداشت دیگری در سال ۱۹۶۱ تهیه شد اما، به ملاحظه مشکلات خاصی که در مقابل ایران قرار گرفته بود، از ارسال آن خودداری گردید. در سالهای ۱۹۶۲ و ۱۹۶۳ هیچ یادداشتی فرستاده نشد.

ه - پیام تلگرافی مورخ ۲۰ آذر ماه ۱۳۴۷ [۱۱ دسامبر ۱۹۶۸] وزارت امور خارجه ایالات متحده که طی آن از سفير آمريكا در تهران خواسته شد که صورتی از دیون ایران در رابطه با قرارداد وام و اجاره، و اموال مازاد تا تاریخ ۱۱ دیماه ۱۳۴۷ [اول ژانویه ۱۹۶۹] را به دولت ایران تسلیم نماید. در این پیام تلگرافی همچنین گفته شده است:

نظر به اینکه مدارک مفصلی برای سفارت فرستاده شد تا به مقامات ايراني ارائه شود، ايران ديگر نمي‌تواند نداشتن اطلاع يا مدارک راجع به تعهدات مربوط به قرارداد اموال مازاد مورخ هفتم مرداد ماه ۱۳۲۶ [۲۹ ژوئي ۱۹۴۸] را مستمسک عدم ايفاي تعهدات خود قرار دهد.

و - تلگراف مورخ سوم مهر ماه ۱۳۵۰ [۲۵ سپتامبر ۱۹۷۱] هيئت نمائندگی ایالات متحده در سازمان ملل متحده به وزير امور خارجه آن کشور مشعر بر اینکه وزير امور خارجه ایران، عباس خلعتبری، یکروز قبل از آن به وزير امور خارجه ایالات متحده گفته بود که گرچه ایران اميدوار است که بدھی مذبور که تا آن تاریخ به ۲۲ ميليون دلار بالغ شده بود باطل شود اينک متوجه گردیده است که اين امر ميسر نیست و لذا پيشنهاد كرد که مبلغ بدھی به ريال و ظرف مدت ۲۰ سال بازپرداخت گردد.

ز - صورتجلسه مذاكراتی که در تاریخ هفتم مهر ماه ۱۳۵۰ [۲۹ سپتامبر ۱۹۷۱] در وزارت امور خارجه ایالات متحده صورت گرفته و طی آن مطالب مطروح در ملاقاتی در ماه سپتامبر ۱۹۷۱ که ظاهرًا در واشنگتن بين سفير سيار ایران، دکتر مهدی سمیعی،

و مقامات دولت ایالات متحده صورت گرفته بود گزارش شده است. در این یادداشت به مطالبی اشاره شده است از جمله اینکه سفیر ایران قبول کرد که دیون ایران بابت اموال مازاد "تعهد حقوقی حتمی دولت ایران است. " همچنین در یادداشت مذکور آمده است: یک مقام رسمی دولت ایالات متحده، یعنی مدیر امور ایران، در پاسخ به اظهار سفیر ایران مبنی بر اینکه "عدم پافشاری آمریکا برای وصول بدھی ها" این تصور را برای مقامات ایرانی ایجاد کرده بود که ایالات متحده برای پرداخت دیون اصراری ندارد، منجمله توضیح داد:

علت اینکه ایالات متحده در دهه ۱۹۵۰ ایران را برای تأثیر این تعهدات تحت فشار نگذاشت ملاحظه وضعیت نسبتاً ضعیف اقتصادی ایران در آن دوره و نیز این واقعیت بود که [ایالات متحده] در همان دوره مبالغ هنگفتی به صورت کمک در اختیار ایران گذاشته بود... وی یادآوری نمود که ایالات متحده از سال ۱۹۶۲ موضوع بدھیهای دولت ایران را مرتباً به آن دولت گوشزد کرده است.

ج - صورتجلسه مذاکرات مورخ نهم مهر ماه ۱۳۵۰ [اول اکتبر ۱۹۷۱] حاکی از اینکه هویدا نخست وزیر ایران به مک آرتور سفیر ایالات متحده گفت که به وزیر امور خارجه و سفیر سیار ایران اختیار داده است که پیشنهاد نمایند بدھی ایران با پرداخت به ریال بابت پروژه های مورد توافق ظرف مدت ۲۰ سال تصفیه گردد.

ط - یادداشتهای مورخ سوم بهمن ماه ۱۳۴۷، ۱۳۴۸ و ۳۱ خرداد ماه ۱۳۵۰ [۲۲ زانویه ۱۹۶۹، ۱۱ فوریه ۱۹۷۰ و ۲۱ ژوئن ۱۹۷۱] سفارت آمریکا در تهران به وزارت امور خارجه ایران به منظور یادآوری موضوع.

ی - پیام تلگرافی دسامبر ۱۹۷۲ سفارت آمریکا در تهران به وزیر امور خارجه ایالات متحده حاوی این خبر که یکی از اعضای کنگره ایالات متحده که در معیت هیأتی از اعضای کنگره آن کشور به تهران سفر کرده بود در تاریخ ۲۰ آذر ماه ۱۳۵۱ [۱۱ دسامبر ۱۹۷۲] با وزیر امور خارجه ایران، عباس خلعتبری، ملاقات و راجع به بدھی های مربوط به قرارداد وام و اجاره اموال مازاد گفتگو نمود.

ک - نامه مورخ ۲۷ مهر ماه ۱۳۵۴ [۱۹ اکتبر ۱۹۷۵] معاون وزیر امور اقتصادی و داراشی ایران، حسنعلی مهران، به سفیر ایالات متحده در تهران به شرح زیر:

عطف به دعاوی ایالات متحده راجع به موافقتنامه اموال مازاد و وام و اجاره، دولت شاهنشاهی ایران در گذشته چندین فقره پرداخت آز این بابت به عمل آورده است...<sup>۰</sup>

... به اطلاع شما می‌رسانم که دولت شاهنشاهی ایران، به نشانه حسن نیت، ترتیب پرداخت ۱/۸ میلیون دلار بابت تعهدات ایران نسبت به اموال مازاد و وام - اجاره را داده است.

ل - یک نشریه دولتی ایالات متحده در سال ۱۹۷۹ حاوی شهادت یکی از مقامات ایالات متحده در یکی از کمیسیونهای فرعی سنای آمریکا حاکی از اینکه وزارت امور خارجه ایالات متحده در تابستان سال ۱۹۷۸ راجع به بدھی ایران بابت قرارداد وام و اجاره، با ایران مذاکره نموده است.<sup>۱</sup>

-۲۹ مدارک دیگری که در پرونده نزد دیوان موجود است بسیاری از اسناد یاد شده در بالا راجع به تماسهای بین دولتین ایران و ایالات متحده پیرامون قراردادهای ۱۹۴۵ و ۱۹۴۸ را تأیید و به تماسهای دیگری نیز راجع به قراردادهای وام و اجاره اشاره می‌کنند.

#### د - وجود پرداختی توسط ایران

-۳۰ همانطور که خاطرنشان گردید، ایران در آوریل ۱۹۴۹ مبلغ ۹۱۲,۷۶۹/۴۹ دلار بابت قرارداد سال ۱۹۴۵ پرداخت نمود، بنگرید به: بند ۱۱ بالا.

-۳۱ در طول دهه ۱۹۶۰ موضع ایران در مورد قرارداد سال ۱۹۴۸ این بود که جز نامه هائی از ایالات متحده راجع به مطالباتی که اینک تحت ادعای شماره ۲ مطرح هستند سابقه ای از قرارداد مزبور در اختیار ندارد. در پاسخ به این موضع ایران، ایالات متحده در اوایل سال ۱۹۷۰ مدارک جامع قرارداد یاد شده را به دولت ایران تسلیم کرد.

-۳۲ پس از آن مذاکراتی بین دولتین صورت گرفت و راجع به پیشنهاداتی برای تعديل شرایط پرداخت دیون مربوط به وام و اجاره و اموال مازاد - - از جمله دیون ایران در ارتباط با قراردادهای ۱۹۴۵ و ۱۹۴۸ - - گفتگو به عمل آمد. در آغاز ایران با یادآوری نقش ایران در

<sup>۰</sup> بدھی خارجیان به ایالات متحده، جلسه ارائه گزارش به کمیسیون فرعی مالیات و نظارت کلی بر دیون، کمیسیون امور مالی سنای ایالات متحده، دوره نود و ششم مقнنه، اجلاسیه اول، ۱۶ بهمن ماه ۱۳۵۷ [پنجم فوریه ۱۹۷۹]، چاپخانه دولت ایالات متحده، واشنگتن، ۱۹۷۹.

پیروزی متفقین در جنگ جهانی دوم، و گذشت سالها که ایالات متحده اصراری به پرداخت وجوه مورد بحث نداشته و اینکه ایران در دهه های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ مقادیر معنابهی کمک های بلاعوض از ایالات متحده دریافت نموده، از آن کشور درخواست کرد که بدھیهای مذکور را فسخ کند.

-۳۲ - در ماه مارس ۱۹۷۲، ایران مبلغ ۷۵۴,۷۲۴/۰۶ دلار به ایالات متحده پرداخت. ایالات متحده اظهار می دارد - و مدارکی نیز در تأیید موضع آن دولت وجود دارد - که ایران مبلغ مذبور را برای ایفای تعهدات خود با بت موافقت نامه های وام و اجاره و اموال مازادی، غیر از موافقت نامه های مورد اختلاف در پرونده حاضر، پرداخت نمود.

-۳۴ - در تاریخ هفتم آبان ۱۳۵۴ [۱۹۷۵ اکتبر ۲۹] ایران مبلغ ۱,۸۰۶,۵۰۷/۶۰ دلار به ایالات متحده پرداخت نمود، بنگرید به: بند ۲۸ (ک) بالا. ایالات متحده ۱,۶۶۸,۳۶۶/۹۶ دلار از مبلغ مذبور را به حساب بهره معوقه مربوط به قرارداد سال ۱۹۴۸ و بقیه مبلغ پرداختی توسط ایران را برای تصفیه حساب یک موافقت نامه وام و اجاره و یک خدمت حمل و نقل هوایی که ارتباطی به پرونده حاضر ندارد، منظور نمود.

-۳۵ - اختلافی نیست که بعد از پرداخت ماه اکتبر ۱۹۷۵، ایران پرداخت دیگری برای تسویه دیون معوق خود به ایالات متحده با بت اموال نظامی مازاد انجام نداد.

#### چهار - صلاحیت

-۳۶ - بخشی نیست که دعوای مبتنی بر قرارداد سال ۱۹۴۸، وفق بند ۲ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی، در محدوده صلاحیت دیوان قرار می گیرد.

-۳۷ - در مورد دعوای مبتنی بر قرارداد ۱۹۴۵، دیوان ملاحظه می نماید که بند ۲ ماده دو بیانیه حل و فصل صلاحیت موضوعی دیوان نسبت به دعوای بین دو دولت را محدود به دعاوی "ناشی از ترتیبات قراردادی فیما بین آنها در خصوص خرید و فروش اجناس و خدمات" کرده است. به عنوان مثال، بنگرید به: بند ۶ حکم شماره ۲-۲ ۲۶۵-۲ مورخ ۲۲ آبان ۱۳۶۵ [۱۲ نوامبر ۱۹۸۶] در پرونده اداره گمرک ایران و ایالات متحده آمریکا، چاپ شده در: 7-13 Iran-U.S. C.T.R. 155, 156-7. شرط مذبور این سوال را مطرح می کند که آیا ادعای

مبتنی بر قرارداد ۱۹۴۵ کلاً یا بعضاً در حیطه صلاحیت دیوان قرار می‌گیرد یا خیر.

-۳۸ نظر دیوان این است که، اموال غیرمنقول در شمول مفهوم "اجناس" به نحو مندرج در بند ۲ ماده دو بیانیه حل و فصل واقع نمی‌شود. در فرهنگ حقوقی بلک (*Black's Law Dictionary*)، اصطلاح "اجناس" ("goods") تعاریفی دارد، از جمله اینکه: "کلیه اشیائی . . . که در زمان منظور کردن آنها در عقد بیع منقول باشند . . ." (چاپ ششم). با توجه به تعریف مزبور، روشن است که تأسیسات ثابتی که طبق قرارداد سال ۱۹۴۵ فروخته شد نمی‌تواند در زمرة اجناس به شمار آید و لذا خارج از حیطه صلاحیت دیوان قرار می‌گیرد.

-۳۹ برای دیوان روشن نیست که چه مقدار از تجهیزات و وسایل موجود در هر یک از تأسیسات ثابت را باید اموال منقول به حساب آورد یا جزئی از خود آن تأسیسات منظور نمود. واگنهای تانکردار و واگنهای خدمه مسلماً جزئی از هیچیک از تأسیسات ثابت نبوده و باید اموال منقول به حساب آید. معهداً، دیوان ملاحظه می‌نماید که در قرارداد ۱۹۴۵، هزینه تأسیسات ثابت مبلغ ۲۸,۷۹۶,۲۰۰ دلار و هزینه تجهیزات و وسایل مبلغ ۸۰۲,۲۶۲/۴۸ دلار ارزیابی شده که فقط  $\frac{1}{2}$  درصد مبالغ مذکور، یعنی ۲,۲۱۹,۹۵۹/۷۶ دلار به حساب ایران گذارده شد. قیمت کل ۱۴۸ واگن تانکردار و ۲۵ واگن خدمه ۶۰۰,۰۲۲/۷۱ دلار بوده است.

-۴۰ مسئله ای که در برابر دیوان قرار دارد این است که آیا باید نسبت به اموال منقولی که در قرارداد وجود دارد احراز صلاحیت کند و یا اینکه باید کلیه ادعاهای مبتنی بر قرارداد را خارج از صلاحیت خود قلمداد نماید، بدانجهرت که قرارداد عمدتاً راجع به فروش تأسیسات ثابت بوده و نه فروش اجناس. در ارتباط با مسئله مزبور، دیوان خاطرنشان می‌نماید که علاوه بر مبلغی که بابت قرارداد حساب شد (۲,۸۱۹,۹۸۳/۴۷ دلار)، قرارداد اشعار می‌دارد که ثمن دیگر این است که خریدار کلیه دعاوی گذشته و آینده را که ممکن است از استفاده و اشغال تأسیسات ثابت و محل آنها ناشی شود، بر عهده گرفته است. با آنکه این مسئله ظریف است، دیوان نتیجه گیری می‌کند که قرارداد ۱۹۴۵ از نوع ترتیبات قراردادی نبود که در بند ۲ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی پیش بینی شده است. در نتیجه، دیوان نظر می‌دهد که صلاحیت رسیدگی به ادعاهای مبتنی بر قرارداد ۱۹۴۵ را ندارد. بر این اساس، ادعای شماره ۱ به علت فقد صلاحیت رد می‌شود.

-۴۱ ملاحظاتی که با توجه به این واقعیت که قسمت اعظم قرارداد ۱۹۴۵ مربوط به فروش

تأسیسات است، نیز نتیجه گیری فوق را تأیید می‌کند. این ملاحظات گویای عدم رفتار جدگانه‌ای نسبت به واگنهای تانکردار و واگنهای خدمه است، به این معنی که گویای عدم احراز صلاحیت دیوان صرفاً بابت خرید آنها می‌باشد. تحويل واگنهای تانکردار و خدمه مذکور در نتیجه عملیاتی بود که در طول جنگ جهانی دوم صورت گرفت و دولت ایران نیز در آن نقش داشت. معامله مربوط به واگن‌های راه آهن جزئی از معامله بزرگتری بود و تحت این شرائط خاص دیوان نباید بابت آن بخش خاص از پرونده احراز صلاحیت کند در حالی که نسبت به سایر اموال خریداری شده طی قرارداد ۱۹۴۵، نمی‌تواند خود را صالح بداند.

#### پنج - ماهیت

##### الف - وجود قرارداد سال ۱۹۴۸

-۴۲- دیوان اکنون به تعیین این مطلب می‌پردازد که آیا ایالات متحده وجود قرارداد ۱۹۴۸ را ثابت کرده است یا خیر.

-۴۳- ایالات متحده نسخه‌ای از نامه توافقی امضاء شده ژوئیه ۱۹۴۸؛ نسخه‌ای از موافقت نامه اصلی راجع به اموال مازاد موجود در ایالات متحده، نسخه‌هایی از سه موافقتنامه جدگانه فروش شامل تقریباً  $\frac{7}{4}$  میلیون دلار اقلام فروخته شده، و چندین مدرک از آن زمان دال بر انعقاد موافقت نامه اصلی مربوط به اموال مازاد موجود در اروپا و نیز هیجده فقره قرارداد جدگانه فروش شامل تقریباً  $\frac{2}{5}$  میلیون دلار اقلام فروخته شده تسلیم کرده است. گرچه کلیه اقلامی که ایران طبق قرارداد سال ۱۹۴۸ خریداری کرده مشخص نیست، اختلافی وجود ندارد که وسائل خریداری شده عملاً تحويل گردیده است.

-۴۴- علاوه بر این، مدارک پرونده نشان می‌دهد که ایالات متحده بدھی‌های ایران بابت اموال نظامی مازاد را کراراً به ایران یادآوری و صورتحساب‌هایی بابت آن دیون به ایران تسلیم کرده است، بنگرید به: بند‌های ۲۸-۲۹ بالا. دلیل و مدرکی وجود ندارد که نشان دهد ایران هیچگاه ایرادی به درستی این صورتحساب‌ها گرفته و یا وجود بدھیها را جداً منکر شده باشد.

-۴۵- دیوان بر مبنای ادله موجود نزد خود متقادع شده است که ایالات متحده وجود قرارداد سال ۱۹۴۸ را ثابت کرده و نیز اینکه قرارداد مذبور در ژوئیه ۱۹۴۸ بوسیله نمایندگان

تام الاختیار مجاز ایالات متحده و ایران صحیحاً امضاء شده است.

### ب - اصل مبلغ بدھی بابت ادعای شماره ۲

۴۶ - ایالات متحده به نحوی مقاعد کننده برای دیوان ثابت کرده است که مبلغ ۲۱,۲۸۹,۸۴۵/۴۷ دلار بابت اصل مبلغ قرارداد سال ۱۹۴۸ پرداخت نشده باقی مانده است. دلیل و مدرکی حاکی از اینکه ایران بخشی از اصل مبلغ را پرداخته باشد وجود ندارد.

### ج - دیون منفور

۴۷ - ایران استدلال می‌کند که تعهدات موضوع قرارداد سال ۱۹۴۸ فاقد اعتبار است به جهت آنکه "دیون منفور" محسوب می‌شود. ایران اظهار می‌دارد که قرارداد سال ۱۹۴۸ توسط ایالات متحده به ایران تحمیل شد و "دین ناشی از انقیاد رژیم سابق" بوده و لذا "قابل انتقال به جمهوری اسلامی ایران نیست."

۴۸ - دیوان نخست به این اظهار ایران می‌پردازد که آیا قرارداد سال ۱۹۴۸ را ایالات متحده به ایران تحمیل کرده است یا خیر. در ارتباط با این مسأله، دیوان به بررسی ضابطه "انقیاد" خواهد پرداخت.

۴۹ - قرارداد سال ۱۹۴۸ به ایران تحمیل نشد. قرارداد مزبور به درخواست ایران منعقد گردید و خود آن دولت اقلامی را که به موجب قرارداد خریداری نمود انتخاب کرد. گرچه مشخصات کامل همه اقلامی که تحت آن قرارداد خریداری شد در اختیار دیوان گذاشته نشده، اما منطقاً می‌توان فرض کرد که اقلام مزبور که عمدتاً نظامی بود، مقاصد دفاع بروان مرزی کشور را اجابت می‌کرد. طی دوره ای که محمولات تحویل می‌شد ایران گرفتار جنگ داخلی و یا انقلاب نبود. دلیلی حاکی از اینکه ایران این بدھی را به منظور سرکوب یک چنین جنگ یا انقلابی تقبل نموده باشد وجود ندارد. در نتیجه، واقعیات چنانکه دیوان توانسته است احرار نماید، اطلاق عنوان "دیون ناشی از انقیاد" را توجیه نمی‌کند.

۵۰ - به ویژه، امکان آن نیست که بین قرارداد مزبور و بحران ایران که منجر به انقلاب اسلامی

در سال ۱۳۵۷ [۱۹۷۹] شد ارتباطی برقرار نمود. قرارداد مزبور به هیچ صورتی در جهت تخفیف یا تضعیف قانون اساسی، نظام اجتماعی و شکل جدید حکومتی ایران که در سال ۱۳۵۷ و بعد از آن ایجاد شد نبود و در واقع نمی‌توانست باشد. به علاوه، فاصله زمانی بین این دو واقعه چنان زیاد است که چنین فرضی را مجاز نمی‌شمرد.

-۵۱- دیوان معتقد است که دیون موضوع قرارداد ۱۹۴۸ را نمی‌توان "دیون منفور"، چنانکه در حقوق بین الملل استنباط می‌شود، اطلاق نمود. انعقاد قرارداد دیون مزبور جهت دستیابی به هدفهایی خلاف مصالح مشروع ایران و یا به مقصود و منظوری مغایر با حقوق بین الملل نبود.<sup>۶</sup>

-۵۲- دیوان اکنون به بررسی این موضوع ایران می‌پردازد که دین موضوع قرارداد ۱۹۴۸ از این جهت که دین شخصی رژیم سابق بوده قابل انتقال نیست.

-۵۳- ایران ادعا نمی‌کند که وضعیت وی، مورد و مصدقی از جانشینی کشورها است. ایران انکار نمی‌کند که مشمول حقوق و تعهدات رژیم گذشته است، چرا که خود دعاوی متعددی، از جمله دعوا مطروح در پرونده ب ۵۸، را که بین رژیم گذشته و ایالات متحده ایجاد شده اند نزد این دیوان مطرح کرده است. بنگرید به: بند ۳ بالا. لیکن استدلال ایران این است که دین مبتنی بر قرارداد ۱۹۴۸ دین شخصی رژیم گذشته بوده که به قیاس با اصل عدم قابلیت انتقال دیون منفور و اینکه این موضوع مورد تأیید اصل مذکور می‌باشد، که حسب اظهار ایران، در مبحث جانشینی کشورها نیز شناخته شده است، باید غیرقابل انتقال به حساب آید.

-۵۴- دیوان در بحث اصولی راجع به مفهوم "دیون منفور" در حقوق بین الملل، موضعی اتخاذ نمی‌کند و بهتر ترتیب به اظهار این مطلب بسنده می‌نماید که مفهوم یاد شده به قلمرو حقوق جانشینی کشورها تعلق دارد و آن حقوق در رویدادهای حادث در ایران مصدق پیدا نمی‌کند. دگرگونی‌های انقلابی در ایران تحت عنوان استمرار کشور قرار می‌گیرد و نه تحت عنوان جانشینی کشور. با چنین اظهاری، این نگرش واقع بینانه تأییده گرفته نمی‌شود که مرز

<sup>۶</sup> بنگرید به: تعریف اصطلاح "دیون منفور" بوسیله محمد بجاوی، در نهمین گزارش راجع به جانشینی دولت‌ها در باب مسایلی غیر از معاهدات، UN Doc. A/CN. 4/301 and Add.1, paras 117-140, [1977] I.L.C. Yearbook, Vol.II, Part One, 45, 67-70.

بین مفاهیم استمرار و جانشینی، در عمل همیشه روشن و مشخص نیست<sup>۷</sup>. در هر حال، بدون نادیده گرفتن عوامل پیچیده حقوقی مشخصه اوضاع زمان انقلاب و یا بعد از انقلاب در ایران، یا به همان قیاس، در برخی کشورهای دیگر، باید تأکید به عمل آید که در پرونده حاضر سروکار ما با موردی از جانشینی کشور نیست. علیرغم تغییر رئیس کشور و نظام حکومتی در سال ۱۳۵۷، ایران همانقدر موضوع حقوق بین الملل باقی ماند که قبل از انقلاب اسلامی بود. زیرا، هرگاه دولتی در اثر انقلاب ساقط شود، کشور، به عنوان یک شخصیت بین المللی، به جای باقی می‌ماند و دولت جدید عموماً کلیه حقوق و تعهدات قبلی آن کشور را بر عهده می‌گیرد.<sup>۸</sup>

- ۵۵- نتیجه گیری فوق الذکر دیوان دایر بر اینکه دین ناشی از قرارداد سال ۱۹۴۸ ماهیتاً "منفور" نیست، این نظر را توجیه می‌کند که در پرونده حاضر لازمست به استمرار و در نتیجه، به وظیفه دولت جدید ایران در مورد تعهد مالی یاد شده کشور، علیرغم تغییرات عمدۀ از قبیل قانون اساسی، استناد گردد. در پرونده حاضر، حقوق بین الملل نباید چنان تفسیر شود که عدول از آن وظیفه را مجاز شمرد. نه تنها پیروی از حقوق مطلق (یعنی قائل شدن تفاوت بین وضعیت‌های جانشینی و استمرار کشورها)، بلکه "روش عملی"<sup>۹</sup> نیز طرز برخورد دیوان را صحیح نشان می‌دهد. در چهارچوب پرونده حاضر، جایی برای کاستن از مطلقت تعهدات ناشی از استمرار کشور وجود ندارد. و بالاخره، باید گفت که ماهیت دین مورد بحث چنان است که منجر به انتقال آن به دولت جدید و به تبع آن، منجر به وظیفه بازپرداخت دین می‌شود، ولو آنکه در اینجا قواعد جانشینی کشور قابل اعمال می‌بود و اعمال می‌شد.

- ۵۶- صحیح است که در رویه بین المللی معاصر، تحول و گرایش مشخصی درجهت کاستن از بار دیون "کشورهای تازه استقلال یافته" وجود دارد. اما ایران متعلق به این دسته از کشورها نبوده – بلکه وی یکی از قدیمی ترین کشورهای جهان است؛ و جا دارد تکرار شود که در پرونده حاضر، موضوع بررسی دیوان موردی از جانشینی کشور نیست.

<sup>۷</sup> بنگرید به:

Ian Brownlie, Principles of Public International Law 82-85 (4th ed., 1990).

<sup>۸</sup> بنگرید به:

R. Jennings, and A. Watts, Oppenheim's International Law, Vol. I, Part I, 234-6 (9th ed., 1992).

<sup>۹</sup> بنگرید به:

Brownlie, supra note 7, at 83.

۵۷- بنابراین، نتیجه این است که دولت ایران نمی‌تواند با استناد به قاعده دیون منفور، از مسئولیت بابت دینی که دولت شاهنشاهی تحت قرارداد ۱۹۴۸ بر عهده گرفته بود، شانه خالی کند.

### شش - مرور زمان

۵۸- مفاد قرارداد ۱۹۴۸ حاوی شرط مرور زمان نبود. با اینحال دیوان باید این مسأله را بررسی کند که آیا چنان مدت زمانی سپری شده است که کافی برای ممنوعیت ایالات متحده از طرح ادعای شماره ۲ باشد یا خیر.

۵۹- ایران اظهار می‌دارد که چون ایالات متحده "به مدتی متجاوز از چهل سال دعوایی برای وصول مطالبات خود اقامه نکرده"، بنابراین ادعای شماره ۲ مشمول مرور زمان شده است. طبق اظهار ایران، کنوانسیون سال ۱۹۷۴ ملل متحد راجع به مرور زمان خرید و فروش بین المللی اجناس<sup>۱۰</sup> ("کنوانسیون سال ۱۹۷۴ ملل متحد") حاکم بر ادعای مذبور است. در کنوانسیون مذبور مرور زمان چهار ساله ای مقرر شده است.

۶۰- ایالات متحده استدلال می‌کند که در مدتی متجاوز از چهل سال، مسأله بدھی را کراراً به ایران یادآوری کرده و هیچگاه مدت مدیدی سپری نشده است که برای پرداخت بدھی به ایران فشار وارد نکرده باشد. ایالات متحده همچنین اظهار می‌دارد که کنوانسیون سال ۱۹۷۴ ملل متحد ارتباطی به پرونده حاضر ندارد.

۶۱- به عقیده دیوان، مفاد ماده ۸ کنوانسیون سال ۱۹۷۴ ملل متحد دایر بر اینکه "مرور زمان چهار سال خواهد بود" مبین قاعده ای در حقوق بین الملل عرفی نبوده، بلکه شرطی در حقوق معاهدات است که تنها در مورد طرف های کنوانسیون مذبور لازم الاتّباع می‌باشد. دیوان از هیچ رویه کشورها آگاهی ندارد که صراحتاً موئید مرور زمان چهارساله باشد، بخصوص در مورد قراردادهای بین دولتی برای خرید و فروش اجناس، از این قبیل. دوره زمانی مذبور، به مراتب

---

۱۰- بنگرید به:

U.N. DOC. A/CONF. 63/15, 5 U.N. Commission on International Trade Law Yearbook 210 (1974).

طولانی تر است، گرچه تعیین مدت آن دشوار و بر حسب اوضاع و احوال مختلف متفاوت است.<sup>۱۱</sup> همچنین باید متذکر شد که انگیزه طرف های کنوانسیون، مصالح تجارت بین المللی و دلیل روشن انعقاد کنوانسیون مزبور "تسهیل توسعه تجارت بین المللی" بود (مقدمه کنوانسیون). چنین ملاحظاتی سبب و یا منظور از عقد قرارداد ۱۹۴۸ نبود.

-۶۲- دیوان خاطرنشان می نماید که کنوانسیون سال ۱۹۷۴ ملل متحد در سال ۱۹۸۸ لازم الاجرا گردید. حتی به فرض اینکه قرارداد سال ۱۹۴۸ مشمول آن کنوانسیون واقع می شد، مرور زمان مقرر در کنوانسیون مزبور قابل اعمال نسبت به آن قرارداد نمی بود، زیرا ماده ۳۲ کنوانسیون صراحة دارد که کنوانسیون تنها نسبت به قراردادهایی قابل اعمال است که در زمان رسمیت یافتن کنوانسیون و یا بعد از آن منعقد شده باشند. بنابراین دیوان استدلال ایران را مبنی بر اینکه قرارداد سال ۱۹۴۸ مشمول کنوانسیون سال ۱۹۷۴ ملل متحد است رد می کند.

-۶۳- عدم شمول کنوانسیون سال ۱۹۷۴ ملل متحد این سوال را باقی می گذارد که آیا ممکن است به مرور زمان دیگری استناد کرد که مانع طرح ادعای شماره ۲ یا بخشی از آن گردد یا خیر.

-۶۴- در قرارداد سال ۱۹۴۸ شرط صریحی راجع به انتخاب قانون وجود ندارد. لیکن، موافقت نامه اصلی راجع به اموال مازاد موجود در ایالات متحده حاوی شرط زیر است:

#### ماده چهارده

موافقت نامه حاضر طبق قوانین ایالات متحده و علی الخصوص طبق قوانین مجری در محدوده حوزه کلمبیا [واشنگتن] تفسیر و اجرا خواهد شد.

-۶۵- در حکم شماره ۷۱-۳۴۶-۳ مورخ ۱۱ شهریور ۱۳۶۲ [دوم سپتامبر ۱۹۸۳] در پرونده آلن

<sup>۱۱</sup> پاره ای صاحبنظران مرور زمان بیست سال را تأیید کرده اند، بنگرید به: Williams Case(1885) (1898) 4181, 4196 Moore's International Arbitrations 4 لیکن دعوای مزبور مرور زمان کوتاه تری را در باب معاملات بازرگانی می پذیرد، همچنین بنگرید به: The Sarropoulos Case (1927), Greco-Bulg. Mixed Arbitral Tribunal, 7 Receuil des Décisions des Tribunaux arbitraux mixtes instituées par les Traités de Paix 47, 51; noted in Bin cheng, General Principles of Law as Applied by International Courts and Tribunals 381 (1953).

اما در حقوق بین الملل عمومی قاعده ای برای تعیین یک دوره معین وجود ندارد. در غیاب رهنمود شخص، قاضی یا داور بین المللی تا حدودی اختار است در چهارچوب وظیفه ای که از جهت بذل توجه لازم به واقعیات هر مورد خاص دارد، به تشخیص خود عمل کند، بنگرید به: بند ۷۲ زیر.

کریگ و وزارت نیروی ایران و دیگران، چاپ شده در: Iran-U.S. C.T.R. 280, 3، دیوان نظر داد که:

قوانين محلی در مورد مرور زمان از نظر دیوان های بین المللی واجب الرعایه نیست ولی این دیوان ها می توانند این گونه قوانین را در تعیین اثرات تأخیر غیر معقول در تعقیب ادعا مذ نظر قرار دهند.

همان مأخذ، ص ۱۵، Iran-U.S. C.T.R. 287 .3

۶۶- موضع دیوان در حکم پرونده کریگ، در مواقعي که ادعا منحصراً بر حقوق بین الملل مبتني است شاید مصدق داشته باشد. لیکن، یک چنین قاعده کلی الزاماً مانع از آن نیست که مرور زمان مقرر در قوانین داخلی نسبت به یک دعوای بین المللی در مواردی که برخی جوانب موضوع صحیحاً مشمول قوانین داخلی است اعمال گردد. بنگرید به: Bin Cheng,<sup>supra</sup> note 11 at 382

۶۷- با توجه به ماده چهارده موافقت نامه اصلی درباره اموال موجود در ایالات متحده، این سوال مطرح می شود که آیا موافقت نامه مجبور صحیحاً مشمول قوانین داخلی است یا خیر، و اگر چنین است، آیا می توان به شرط مرور زمانی در قوانین داخلی ایالات متحده استناد کرده و مانع طرح هیچ بخشی از ادعای شماره ۲ شد یا خیر؟ دیوان نیازی نمی بیند که به این موضوع بپردازد زیرا عدم اهمیت موافقتنامه های اصلی در تصمیم گیری راجع به ادعای شماره ۲، چنانکه نیلاً در بند های ۶۸ و ۶۹ بحث خواهد شد، مسأله را منتفی می نماید.

۶۸- فروش اموال نظامی مازاد تحت قرارداد سال ۱۹۴۸ متضمن سه مرحله توافق بود - خود قرارداد سال ۱۹۴۸، موافقت نامه های اصلی و قراردادهای جداگانه فروش. در مرحله اول اعتباری اعطای شد و شرایط بازپرداخت و نرخ بهره مشخص گردید. در مرحله دوم، چهارچوبی برای انعقاد موافقت نامه های فروش جداگانه مقرر گردید. در این مرحله، مفاد و شرایط مختلف در ارتباط با فروش و تحويل اجناس، از جمله نحوه محاسبه هزینه های حمل و نگهداری مورد توافق واقع شد. و بالاخره، در قراردادهای جداگانه فروش، اجناس انتخابی برای خرید و مقدار آنها مشخص و بهای فروش مورد توافق اعلام گردید.

۶۹- اولین مرحله توافق اهمیت خاصی از لحاظ ادعای شماره ۲ دارد، زیرا ایالات متحده مشخصاً مدعی نقض تعهدات مالی موضوع قرارداد سال ۱۹۴۸ است. مراحل دوم و سوم توافق

از جهت بررسی حاضر حائز اهمیت کمتری است، بدین سبب که راجع به مسایلی از قبیل تحويل، کیفیت و کمیت اجناس فروخته شده، که موضوعاتی هستند که استناد به قوانین داخلی مرور زمان را در مورد آنها منطقاً می‌توان انتظار داشت، اختلافی وجود ندارد. مضافاً مدرکی در دست نیست که نشان دهد طرفین، در مراودات خود قبل از جریان رسیدگی حاضر، هیچگاه ماده ۱۴ موافقتنامه اصلی یا قوانین نیربط حوزه کلمبیا را در مورد دعاوی ایالات متحده برای تأديه بدھی موضوع قرارداد ۱۹۴۸ توسط ایران موثر در مقام تلقی کرده باشند. در نتیجه، عقیده دیوان این است که در تصمیم گیری راجع به ادعای شماره ۲ موافقتنامه های اصلی حائز اهمیت نیستند. بنابراین، این موضوع که آیا شرط مرور زمان مقرر در قوانین داخلی نسبت به موافقت نامه های اصلی و به همان ترتیب نسبت به موافقت نامه های جدگانه فروش قابل اعمال بوده یا خیر، در پرونده حاضر موثر در مقام نمی‌باشد.

-۷۰- از آنجا که در قرارداد ۱۹۴۸ موضوع مرور زمان طرح دعوی و یا قانون حاکم مشخص نشده، دیوان باید با انتخاب قانون حاکم، راجع به این مسأله تصمیم گیرد که آیا برای ممنوعیت طرح ادعای شماره ۲ زمان کافی سپری شده است یا خیر. ماده پنج بیانیه حل و فصل دعاوی اختیارات وسیعی در تعیین قانون حاکم به دیوان می‌دهد. از آنجا که قرارداد فاقد شرط انتخاب قانون است، دیوان باید با در نظر گرفتن کلیه اوضاع و احوالی که موثر در مقام می‌داند، قانون حاکم را تعیین کند. بنگرید به: بند ۱۳۰ قرار اعدادی شماره ۶۵-۱۶۷-۳ مورخ ۱۹ آذر ۱۳۶۵ [دهم دسامبر ۱۹۸۶] در پرونده آناکاندا - ایران، اینکورپورتید و جمهوری اسلامی ایران و دیگران، چاپ شده در: Iran-U.S. C.T.R. 199, 232, 13; بند ۸۱ حکم شماره ۳۱۱-۷۴/۷۶/۸۱/۱۵۰-۳ مورخ ۲۲ تیر ماه ۱۳۶۶ [۱۴ ژوئیه ۱۹۸۷] در پرونده موبیل اویل ایران، اینک، و دیگران و جمهوری اسلامی ایران و دیگران، چاپ شده در: Iran-U.S. C.T.R. 3, 27-38.

-۷۱- به نظر دیوان، چندین عامل در پرونده حاضر قویاً این نتیجه گیری را تأیید می‌کند که قرارداد ۱۹۴۸ ماهیتاً قراردادی بین دولتی است که قانون حاکم بر آن باید حقوق بین الملل باشد. قرارداد مجبور بین دو دولت حاکمه منعقد گردیده و مربوط به فروش تجهیزات نظامی متعلق به دولت ایالات متحده بوده است. مفاد این قرارداد با تصویب مجلس، یعنی پارلمان ایران، لازم الاجرا گردید و کنگره ایالات متحده بودجه خاصی بابت هزینه های حمل و نگهداری تصویب نمود. وقتی موعد پرداخت بدھی‌ها فرارسید، ایالات متحده موضوع را در بالاترین سطوح دیپلماتیک تعقیب کرد و به هیچ مرجع قضایی داخلی نبرد. نکات فوق، در غیاب شرط انتخاب قانون، دیوان را به اعلام این نظر و امیدارد که قانون حاکم بر قرارداد سال ۱۹۴۸ حقوق

بین الملل است.

۷۲- با اعلام این نظر که حقوق بین الملل حاکم بر قرارداد سال ۱۹۴۸ است، دیوان باید تعیین کند که آیا اصل مرور زمان مسقط حق در حقوق بین الملل عمومی مانع طرح ادعای شماره ۲ می‌شود یا خیر. به موجب اصل مزبور، طرفی که حق طرح دعوی داشته و بعد از مدتی آن حق را اعمال نکند حقش ساقط می‌شود.<sup>۱۲</sup> در حقوق بین الملل هیچ قاعده‌ای نیست که مدت زمانی را که برای تحقق مرور زمان مسقط حق لازم است مشخص نماید. اصل مزبور قابل انعطاف است و تصمیم راجع به قابلیت اعمال آن بسته به تشخیص و صلاحیت دیوان است. بنگرید به: Jennings and Watts, *supra* note 8 at 526-7 and Brownlie, *supra* note 7 at 504-5. بدیهی است این تشخیص و صلاحیت نامحدود نیست، زیرا دیوان باید کلیه اوضاع و احوال ذیربسط نسبت به مورد را در نظر گیرد، بنگرید به: پانوشت ۱۱ بالا.

۷۳- در این زمینه، دیوان از بین چنگ [Bin cheng] نقل می‌کند که می‌نویسد: "هرگاه ادله کاملاً محرز گردد و هیچ تردیدی راجع به حقیقت امر وجود نداشته باشد، مرور زمانی در کار نخواهد بود و لو آنکه ادعا مدت مدیدی اقامه نشده باشد." Cheng. *see supra*, note 11 at 382. و آنگاه می‌افزاید: "هرگاه واقعیات مورد نزاع نباشد، نین، مرور زمان قابل اجرا نیست." همان مأخذ، ص ۳۸۲. چنگ در ادامه نظر خود می‌افزاید، مگر در مواقعي که "بتوان گفت که ادعایی مورد ترک و اعراض واقع شده، به شرط آنکه مراتب به درستی به خواهان اعلام گردیده باشد، مرور زمان اعمال نخواهد شد و لو آنکه دعوی بدلایلی که دست کم قابل قبول باشد، به طور مدام پیگیری نشده باشد. همان مأخذ، ص ۳۸۵ (پانوشت حذف شده است). در Oppenheim اظهار نظر شده است که:

پس از آنکه ادعایی به کشور خوانده اعلام شد، تأخیر در تعقیب آن محتمل آنچنان موجب شکست ادعا نخواهد شد که تأخیر در اعلام اولیه آن، زیرا یکی از دلایل عمدۀ اصل [مرور زمان] اجتناب از وضعیتی است که خوانده بدلیل عدم توانایی تحصیل دلیل راجع به ادعایی که تنها پس از اسقاط آن از وجودش آگاه گردیده، در مضیقه و اضطرار قرار گیرد...

(پانوشت حذف شده است). Jennings and Watts, *supra* note 8 at 527

<sup>۱۲</sup> بنگرید به:

Gentini Case, Italian-Venezuelan Mixed Claims Commission 720, 726 (1903); 10 R.I.A.A. 551, 557.

-۷۴- دیوان با عنایت به ملاحظات فوق، معتقد است که برای اعمال اصل مرور زمان مسقط حق در مورد ادعای شماره ۲ توجیهی وجود ندارد. دلایل این نتیجه گیری به شرح زیر است: نخست اینکه، اختلاف چندانی درباره وجود و مقدار بدھی وجود ندارد. ثانیاً، اولین بار که موعد پرداخت دین فرارسید، ایالات متحده در اعلام مراتب تأخیر نکرده، فرصت معقولی به ایران داد که در اعتراض به ادعا مدارک موجود را جمع آوری کند. ثالثاً، گرچه ایالات متحده مستمراً طلب خود را پیگیری نکرد، طی چندین سال کراراً موضوع بدھی را به ایران یادآوری نمود. رابعاً، دلیلی وجود ندارد که ایالات متحده هیچگاه از طلب خود از ایران اعتراض یا آن را ترک کرده باشد. بر عکس، ادله نشان می‌دهد که ایالات متحده در پاسخ به درخواست ایران دایر بر اعتراض از بدھی، صراحةً از این کار امتناع نمود.

-۷۵- بر این اساس، دیوان نظر می‌دهد که اصل مرور زمان مسقط حق مانع طرح ادعای شماره ۲ توسط ایالات متحده نیست.

## هفت - بهره

-۷۶- ایالات متحده در اظهارات کتبی خود بابت قرارداد سال ۱۹۴۸ بهره به نرخ قراردادی ۲ درصد تا تاریخ ۳۰ دی ماه ۱۳۵۹ [۲۰ ژانویه ۱۹۸۱] مطالبه کرده است. ایالات متحده همچنین نسبت به مبلغ بدھی بابت قرارداد ۱۹۴۸ از تاریخ ۳۰ دی ماه ۱۳۵۹ [۲۰ ژانویه ۱۹۸۱] تا تاریخ صدور حکم در پرونده حاضر، بهره به نرخ تجاری مطالبه نموده است. البته در جلسه استماع، آقای بتاور استدلال کرد که ایالات متحده باید بابت قرارداد مذکور، بهره به نرخ ۱۰ درصد در سال از ۳۰ روز پس از تاریخ سرسید اقساط، دریافت نماید.

-۷۷- در پرونده حاضر، توافق بین ایران و ایالات متحده در قرارداد ۱۹۴۸ صراحةً دارد که نرخ بهره را  $\frac{۳}{۸}$  درصد در سال مشخص کرده است. در مواردی که در قرارداد نیز بسط نرخ بهره مشخص شده باشد، دیوان همواره همان نرخ را مورد استفاده قرار داده است، حتی در مواقعي که نرخ مذبور با نرخی که دیوان در غیر آنصورت مقتضی می‌دانست بطور قابل ملاحظه ای تفاوت داشته باشد. برای مثال، بنگرید به: حکم شماره ۱۸-۱ ۲۶۰-۱۸۱ مورخ ۱۹ مهر ماه ۱۳۶۵ [۱۱ اکتبر ۱۹۸۶] در پرونده پیسیکو، اینکورپورتید و جمهوری اسلامی ایران و دیگران، چاپ شده در: U.S. C.T.R. 3 Iran- 13؛ قرار اعدادی شماره ۶۵-۱۶۷-۲ مورخ ۱۹ آذر ماه ۱۳۶۵ [دهم دسامبر

[۱۹۸۶] در پرونده آنکا اند - ایران، اینکورپورتید و جمهوری اسلامی ایران و دیگران، چاپ شده در: ۱۹۹ U.S. C.T.R. 13 و حکم شماره ۳۵۵-۱۰۶۳۲-۲ مورخ ۲۵ اسفند ماه ۱۳۶۶ [۱۶ مارس ۱۹۸۸] در پرونده ردینگ اند بیتس در بیلینگ کامپنی و جمهوری اسلامی ایران و دیگران، چاپ شده در: ۱۶۴ U.S. C.T.R. 18. راجع به نرخ بهره به طور کلی بنگردید به: حکم شماره ۲۲۵-۸۹-۳ مورخ دوم اردیبهشت ماه ۱۳۶۵ [۲۲ آوریل ۱۹۸۶] در پرونده مک کالو کامپنی، اینک و وزارت پست و تلگراف و تلفن و دیگران، چاپ شده در: ۱۱ Iran-U.S. C.T.R. 3,29 بر این اساس، دیوان بهره قابل پرداخت در پرونده حاضر را بر اساس نرخی که در قرارداد مذکور توافق شده محاسبه نموده و لذا بابت قرارداد سال ۱۹۴۸ حکم بهره به نرخ  $\frac{3}{8}$  درصد صادر می‌کند.

- ۷۸ راجع به تاریخ شروع محاسبه بهره، بند ۲ قرارداد سال ۱۹۴۸ اشعار می‌دارد که بهره "از تاریخ های مربوطه تحويل مصراح در قراردادهای جداگانه فروش" تعلق خواهد گرفت.<sup>۱۳</sup> دیوان از مدارک موجود نزد خود قادر نیست که تاریخ های تحويل تعیین شده بابت تعداد کثیری از اقلام خریداری شده را مشخص نماید. گرچه از سوابق پرونده نمی‌توان تاریخ های دقیق تحويل را که مبنای شروع تعلق بهره است تعیین نمود، ایالات متحده یادداشتی به تاریخ دوم خرداد ماه ۱۳۳۹ [۲۲ مه ۱۹۶۰] از وزیر امور خارجه ایالات متحده به سفیر ایران در واشنگتن تسلیم نموده که صورتحسابی ضمیمه آن است که اصل بدھی و بهره متعلقه تا تاریخ ۱۱ دیماه ۱۳۳۸ [اول ژانویه ۱۹۶۰] بابت قرارداد ۱۹۴۸ را نشان می‌دهد. صورتحساب مذبور حاکی است که پس از کسر برخی ارقام بستانکار، بهره قرارداد سال ۱۹۴۸ در تاریخ ۱۱ دیماه ۱۳۳۸ [اول ژانویه ۱۹۶۰]، مبلغ ۵,۲۱۷,۶۷۰/۸۴ دلار بوده است. دلیل و مدرکی حاکی از اینکه ایران به رقم مذبور اعتراض کرده باشد وجود ندارد. در نتیجه، دیوان نظر می‌دهد که بهره اعطایی به ایالات متحده بابت قرارداد سال ۱۹۴۸ باید بر این مبنای محاسبه گردد که در تاریخ ۱۱ دی ماه ۱۳۳۸ [اول ژانویه ۱۹۶۰] مبلغ بهره کلاً ۵,۲۱۷,۶۷۰/۸۴ دلار بوده است.

- ۷۹ در محاسبه بهره اعطایی همچنین لازم است مبلغ پرداختی ایران در سال ۱۹۷۵ را نیز در محاسبه منظور کرد. ایالات متحده مبلغ ۱,۶۶۸,۳۶۶/۹۶ دلار آن را به حساب بهره معوقه متعلق

<sup>۱۳</sup> بند ۱۵ (ج) ماده هفت موافقنامه اصلی درباره اموال مازاد موجود در ایالات متحده "تاریخ های مربوطه تحويل" را چنین تعریف می‌کند: "تاریخ های واقعی تحويل فیزیکی در یکی از بنادر ایران . . ." بند ۲۰ ماده هشت می‌افزاید که تحويل فیزیکی "موقعی محقق خواهد شد که [اموال] به طور فیزیکی از کنترل قلابیز کشته رها شده در ید یا تصرف [ایران] قرار گیرد . . ."

به قرارداد سال ۱۹۴۸ منظور نمود، بنگرید به: بند ۳۴ بالا.

-۸۰ با اعلام این نظر که بهره متعلقه با بت قرارداد سال ۱۹۴۸ تا تاریخ ۱۱ دی ماه ۱۳۲۸ [اول ژانویه ۱۹۶۰] مبلغ ۵,۳۱۷,۶۷۰/۸۴ دلار بوده و با در نظر گرفتن مبلغ ۱,۶۶۸,۳۶۶/۹۶ دلاری که به حساب بهره معوقه منظور گردیده، دیوان حکم بهره به نفع ایالات متحده به مبالغ زیر صادر می‌کند: (الف) مبلغ ۳,۶۴۹,۳۰۳/۸۸ دلار<sup>۱۴</sup> به صورت مقطوع، و (ب) بهره به نرخ  $\frac{۳}{۸}$  درصد از ۱۱ دی ماه ۱۳۲۸ [اول ژانویه ۱۹۶۰].

### هشت - هزینه دادرسی

-۸۱ هر یک از طرفین هزینه‌های خود را با بت داوری دعاوی حاضر تقبل خواهد کرد.

### نه - حکم

-۸۲ بدلایل پیشگفته

دیوان به شرح زیر حکم صادر می‌کند:

(الف) ادعای شماره ۱ به علت فقد صلاحیت رد می‌شود.

(ب) با بت ادعای شماره ۲، خوانده، جمهوری اسلامی ایران، مکلف است مبلغ بیست و یک میلیون و سیصد و هشتاد و نه هزار و هشتاد و چهل و پنج دلار و چهل و هفت سنت (۲۱,۳۸۹,۸۴۵/۴۷ دلار)، به علاوه بهره، مشتمل بر مبالغ زیر:

یک - مبلغ سه میلیون و ششصد و چهل و نه هزار و سیصد و سه دلار و هشتاد و هشت سنت (۳,۶۴۹,۳۰۳/۸۸) به صورت مقطوع؛ و

دو - بهره ساده نسبت به مبلغ بیست و یک میلیون و سیصد و هشتاد و نه هزار و هشتاد و چهل و پنج دلار و چهل و هفت سنت (۲۱,۳۸۹,۸۴۵/۴۷ دلار) به

---

<sup>۱۴</sup> بهره متعلقه در تاریخ ۱۱ دیماه ۱۳۲۸ [اول ژانویه ۱۹۶۰] منها مبلغ ۱,۶۶۸,۳۶۶/۹۶ دلار که به حساب [ایران] منظور شده است.

نرخ  $\frac{۳}{۲}$  درصد در سال (بر مبنای ۳۶۵ روز) از تاریخ ۱۱ دی ماه ۱۳۲۸ [اول ژانویه ۱۹۶۰] لغایت تاریخی که کارگزار امانی دستور پرداخت از محل حساب تضمینی به بانک امین می‌دهد.

به خواهان، ایالات متحده آمریکا بپردازد.

(ج) تعهد مزبور با پرداخت از حساب تضمینی مفتوح به موجب بند ۷ بیانیه مورخ ۲۹ دی ماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] جمهوری دموکراتیک و مردمی الجزایر ایفا خواهد شد.

(د) هر یک از طرفین هزینه‌های داوری مربوط به خود را تقبل خواهد کرد.

لاهه، به تاریخ ۱۳. آذر. ۱۳۷۵ برابر با ۳. دسامبر ۱۹۹۶

کریستف اسکوبیشفسکی

رئیس شعبه دو

جرج اچ. آدریج

کورش حسین عاملی

با نام خدا  
موافق با بند ۸۲ (الف) و (د) بخش  
اجرایی حکم؛ مخالف با بند ۸۲ (ب)  
و (ج) آن. بنگرید به: نظر جدایانه.